

جبران خسارت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا

حجت مبین • استادیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

mobayen@shirazu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

سیدمحسن فالی • دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

faliv221@gmail.com

چکیده

ایجاد علقه زوجیت، صرف‌نظر از آثار حقوقی از جمله تکلیف به وفاداری، یک وابستگی و رابطه عاطفی بین زوجین ایجاد می‌کند؛ لذا ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از ایشان، ضمن اینکه نقض تکلیف به وفاداری محسوب می‌شود، سبب ورود صدمه به احساسات و عواطف طرف دیگر نیز خواهد بود و می‌تواند موجب مسئولیت مدنی باشد. در این مقاله، به روش تحلیلی توصیفی و مطالعه تطبیقی دکتترین و رویه قضایی حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا به صورت مزجی، به بررسی این مسئولیت و جبران خسارت ناشی از آن خواهیم پرداخت. برای تحقق این مسئولیت، وجود رابطه زوجیت و تحقق رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین شرط است. هر چند محکومیت کیفری خواننده دعوی شرط تحقق مسئولیت نیست، ولی وجود حکم برائت کیفری به دلیل عدم اثبات ارتکاب رابطه نامشروع، رافع مسئولیت مدنی خواهد بود. خسارت وارده اصولاً یک خسارت معنوی است که به کمک معیارهایی پیش‌رو قابل ارزیابی است: درجه تأثیر ضرر در عواطف زیان‌دیده، میزان علاقه زیان‌دیده به همسری که مرتکب رابطه نامشروع شده، میزان تقصیر زیان‌دیده در ایفای وظایف زناشویی، عرف فرهنگی و اجتماعی محل و در نهایت اوصاف و موقعیت شغلی و اجتماعی زیان‌دیده.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، علقه زوجیت، رابطه نامشروع، خسارت معنوی.



مقدمه

به طور معمول زوجین پس از ازدواج، مصالح خانوادگی را بر منافع شخصی مقدم دانسته و به نوعی برای دوام و تقویت رابطه زناشویی خود، سرمایه‌گذاری‌های مالی و معنوی می‌نمایند. بر خلاف روابط تجاری که عمدتاً کوتاه مدت بوده و صرفاً بر روابط مالی استوار است و نفع شخصی، سرنوشت رابطه را تعیین می‌نماید، زوجین انتظار دارند، رابطه بین ایشان به صورت مادام‌العمر ادامه یابد و قابل پیش‌بینی است که فرصت‌های مالی یا معنوی بسیاری همانند مهاجرت به شهر دیگر، یادگیری شیوه جذب و عشق ورزیدن یا خو گرفتن به همسر، از دست دادن دیگر موقعیت‌های ازدواج، ترک موقعیت تحصیلی یا کاری به دلیل تشکیل زندگی مشترک یا نگهداری از اولاد و ... را قربانی زندگی مشترک نمایند. بر همین اساس اگر یکی از زوجین به دیگری خیانت نموده و مرتکب رابطه نامشروع گردد، علاوه بر صدمه به اعتماد، آبرو، احساسات و عواطف شکل گرفته در این رابطه، موجب از بین رفتن فرصت‌های طرف دیگر نیز خواهد شد؛ به گونه‌ای که اگر قربانی خیانت، امکان از هم گسیختن عاطفی پیوند مشترک را می‌دانست، برای استحکام آن سرمایه‌گذاری نمی‌کرد. (Rasmusen, 2001, p. 2) بر همین مبنا موضوع جبران خسارت ناشی از این رابطه نامشروع، به عنوان یک سؤال اساسی که در حقوق ایران کمتر به آن پرداخته شده است، خودنمایی می‌کند.

برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از رابطه نامشروع یکی از زوجین، باید ارکان مسئولیت مدنی شامل ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت احراز گردد؛ منتها، دادرس ممکن است، در صدور رأی به جبران خسارت زیان‌دیده، تردید نماید؛ زیرا نحوه تقویم آسیب به احساسات و عواطف (شکستن قلب دیگری) و آبرو و اعتبار خانوادگی، به عنوان مصادیق ضرر معنوی ناشی از رابطه نامشروع، معیار مشخص و تثبیت شده‌ای ندارد. در نتیجه در مواردی ممکن است، دادگاه اساساً صدمه به احساسات را قابل جبران با پول نداند و یا به مبلغ خسارت اندکی حکم صادر نماید و در مواردی نیز ممکن است، حکم به پرداخت خسارت بسیار سنگینی صادر گردد. همین مسئله در خصوص از دست رفتن فرصت‌ها یا صدمه به آبرو و اعتبار خانوادگی نیز مطرح می‌شود. هنگامی که یکی از زوجین از تکلیف وفاداری تخطی و اقدام به برقراری رابطه نامشروع با ثالث نماید، خساراتی به طرف مقابل وارد می‌شود و حتی ممکن است نکاح در معرض انحلال قرار گیرد؛ لذا مسئله شرایط ایجاد مسئولیت و نحوه جبران خسارت ناشی از این رابطه نامشروع، موضوعی حایز اهمیت است. این موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا، تحت عنوان زیان‌های وارده در نتیجه هم‌خوابگی نامشروع مطرح و آرائی از محاکم انگلیس و آمریکا در این خصوص صادر شده است. در حقوق کامن‌لا،

خسارت معنوی ناشی از همخوابگی نامشروع، در قالب تأسیسات حقوقی شامل مرگ عاطفی^۱ در مورد زوجین، نقض پیمان زوجیت^۲ (در وعده نکاح)، تدلیس^۳ (آسیب وارده در نتیجه رابطه جنسی قبل از ازدواج) و وصف کیفری موضوع (زنای محصنه یا روابط منافی عفت مادون زنا) شناسایی گردیده است. (McMillain, 2012, pp. 1989-2020) این نظام حقوقی در زمینه نحوه جبران این خسارات، دارای دستاوردهایی است که می‌تواند برای حقوق ایران نیز قابل استفاده باشد؛ از این رو در این مقاله موضوع به صورت تطبیقی در حقوق ایران و کامن‌لا بررسی شده است.

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن مطالعه تطبیقی دکترین و رویه قضایی حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا، به این سؤالات پاسخ داده شود: ماهیت مسئولیت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع توسط یک از زوجین، قراردادی است یا قهری؟ در صورتی که یکی از زوجین مرتکب رابطه نامشروع گردد، با چه شرایطی مسئولیت جبران خسارت بر عهده وی قرار می‌گیرد؟ چه خساراتی به طرف مقابل وارد می‌گردد؟ و این خسارات چگونه و بر اساس چه معیارهایی باید جبران گردد؟

پیشینه پژوهش: به طور کلی مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص این موضوع، در سه دسته قابل تقسیم‌بندی است:

دسته نخست، مقالاتی است که موضوع را از جنبه کیفری بررسی نموده‌اند. تأکید بر سیاست بزه‌پوشی و استفاده از کیفر به عنوان آخرین راه حل در جرائم جنسی (صادقی و اکبری، ۱۴۰۱) و ارائه معیارهای جرم‌انگاری در جرائم منافی عفت (نصیری و همکاران، ۱۴۰۰) از مهم‌ترین دستاوردهای این دسته مقالات است.

دسته دوم مقالاتی است که موضوع را از جنبه تعهد به وفاداری زوجین بررسی نموده‌اند. مقاله «ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روانشناسی و جایگاه آن در خانواده» (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳) و «مسئولیت ناشی از عدم وفاداری زوجین» (دارابی، ۱۳۹۹) و «آثار نقض وفاداری زوجین در خانواده و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری آن» (خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) از مهم‌ترین مقالات این حوزه می‌باشند. این مقالات صرفاً به بررسی تعهد به وفاداری و لزوم جبران خسارت وارده ناشی از نقض این تعهد پرداخته و در خصوص نحوه جبران و معیارهای ارزیابی خسارت، بحث ننموده‌اند.

¹ Alienation of Affection

² Breach Of Marriage Promise

³ Seduction

دسته سوم نیز پژوهش‌هایی است که آثار روابط نامشروع را بررسی نموده‌اند؛ مانند مقاله «شیوه - های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین» (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵) که صرفاً به شیوه‌های جبران غیرمالی پرداخته و پایان نامه «احکام و آثار روابط جنسی نامشروع در حقوق مدنی» (کلهر، ۱۳۸۸) که به آثار حقوقی رابطه نامشروع بر نسب و ایجاد حرمت پرداخته و در باب مسئولیت مدنی، صرفاً خسارات وارده به طرف رابطه را مورد مطالعه قرار داده است و هیچیک نحوه جبران خسارت ناشی از رابطه نامشروع را مورد بررسی قرار نداده است.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مقاله، روش تحلیلی توصیفی، با استفاده از مطالعات تطبیقی (مطالعه در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا) می‌باشد. بنابراین تلاش شده است با استفاده از منابع دست اول و همچنین استفاده از آراء قضایی در حقوق ایران و کامن‌لا، ارکان و شرایط مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی و همچنین نحوه جبران خسارات وارده مورد مطالعه قرار گیرد و معیارهای مشخصی در خصوص هر یک ارائه شود. شیوه مطالعه تطبیقی در این مقاله به صورت مزجی است و مباحث ذیل هر یک از عناوین، از منظر حقوق ایران و کامن‌لا مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱. مبانی نظری

از حیث مبانی نظری، ماهیت مسئولیت و امکان مطالبه انواع خسارات، موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۱.۱. ماهیت مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

ماهیت مسئولیت ممکن است قراردادی یا خارج از قرارداد باشد. مسئولیت قراردادی زمانی مصداق پیدا می‌کند که ضرر وارده ناشی از نقض قرارداد و منبع مستقیم جبران خسارت، عدم اجرای تعهد قراردادی باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۲) در حقوق کامن‌لا تکلیف وفاداری، زوجین را ملزم می‌نماید که بالاترین اولویت را به زندگی مشترک دهند؛ بنابراین هر یک از زوجین انتظار بقای دائم این زندگی مشترک را دارد و از این رهگذر سرمایه‌گذاری‌های مالی و معنوی انجام می‌دهد؛ بر همین مبنا تخطی از این پیمان، می‌تواند موجب ایجاد مسئولیت گردد. (Scott, 2000, p. 1910)

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که در حقوق کامن‌لا مبنای مسئولیت ناشی از هم‌خواهی نامشروع در روابط زوجین، نقض تکلیف وفاداری و ماهیت آن، یک مسئولیت قراردادی است. رویکرد سنتی حقوق انگلستان نیز به همین دیدگاه نزدیک بود و صرفاً در صورت وجود رابطه قراردادی نکاح،

دعوی مطالبه خسارت ناشی از همخوابگی نامشروع را می‌پذیرفت؛ (Wright, 1924, pp. 364-370) لیکن به مرور این مسئولیت، به موارد نامزدی نیز توسعه یافت و همخوابگی نامشروع در رابطه نامزدی نیز به عنوان یک تقصیر عرفی، منشأ مسئولیت شناخته شد. علاوه بر این، چنین تحلیل شد که تکلیف وفاداری به موجب قانون به رابطه زوجیت بار می‌شود و تخلف از آن، تخطی از حکم قانون است؛ لذا امروزه این مسئولیت را می‌توان یک مسئولیت قهری دانست.

در حقوق ایران نیز از آثار نکاح صحیح، برقراری حقوق و تکالیف قانونی زوجین می‌باشد که برخی از آن‌ها، مانند تکلیف به وفاداری، زوجین را متقابلاً ملزم به رعایت این تکلیف و ذیحق در مطالبه آثار آن می‌نماید. (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۴) هر چند در قانون مدنی به صراحت، از تکلیف وفاداری یاد نگردیده، لیکن وجود چنین تعهدی از روح قانون و قواعد فقهی و اخلاقی حاکم بر نکاح استنباط می‌شود. دامنه نقض این تعهد، در رویکرد موسع، از فقدان پارسایی ذهنی مرد در روابط زناشویی، برقراری روابط نامتعارف و غیرضروری، داشتن رابطه نامشروع مادون زنا و در نهایت زنا را در بر می‌گیرد. (خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۶)

از یک سو می‌توان گفت که تخلف از پیمان زناشویی، نقض تعهد وفاداری است که نیروی الزام‌آور خود را از تراضی طرفین می‌گیرد و عهدشکن بنابر قواعد مسئولیت قراردادی، مسئولیت دارد. در مقابل، برخی از نویسندگان اعتقاد دارند که تمام موارد مسئولیت مدنی بر مبنای قواعد مذهبی و اخلاقی بنا شده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۵، ص. ۱۴) نکاح یک قرارداد اخلاقی و خاص است که قواعد عمومی قراردادها به طور کلی در آن سرایت ندارد و بیشتر احکام آن را قانونگذار مشخص می‌نماید. تکلیف به وفاداری، حسن معاشرت و تشییع مبنای خانواده که در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ مورد شناسایی قرار گرفته است، ریشه در اراده قانونگذار دارد، نه تراضی طرفین؛ پس، جبران خسارت ناشی از نقض تکالیف قانونی زوجین نیز به عنوان یک واقعه حقوقی، باید از طریق حکم قانونگذار و قواعد مسئولیت مدنی خارج از قرارداد (ضمان قهری) انجام گیرد.

هر چند که استدلالاتی برای تأیید هر یک از دو دیدگاه فوق وجود دارد، لیکن به نظر می‌رسد، دیدگاه مسئولیت قهری، با ماهیت مسئولیت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در روابط زناشویی انطباق بیشتری دارد؛ زیرا اولاً: قواعد حاکم بر روابط زوجین و تکالیف ناشی از آن، از اراده قانونگذار نشأت می‌گیرد و تنزل اعتبار این قواعد به اصل حاکمیت اراده و توافق طرفین، با ماهیت این تعهدات سازگار نیست؛ ثانیاً: هر چند که نکاح عقد محسوب می‌شود، لیکن همه فقها و حقوقدانان، احکام نکاح را از سایر قراردادها (معاملات)، متمایز نموده‌اند؛ لذا عمده آثار و تکالیف ناشی از نکاح تابع

اراده شارع است و صرفاً ورود به رابطه و برخی آثار فرعی را می‌توان تابع اراده طرفین دانست؛ ثالثاً: اگر ماهیت این مسئولیت را نقض یک تعهد قراردادی بدانیم، امکان توافق برخلاف آن و یا درج شرط عدم مسئولیت در قرارداد نکاح ممکن خواهد بود، در حالیکه پیوند این مسئولیت با نظم عمومی و اخلاق حسنه، به اندازه‌ای است که پذیرش چنین شروطی را غیرممکن می‌نماید. رابعاً: در موارد تحقق رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، علاوه بر او، شخص ثالثی نیز وجود دارد که یقیناً مسئولیت وی را نمی‌توان مسئولیت قراردادی دانست. بنابراین اگر مسئولیت زوج یا زوجه‌ای که مرتکب رابطه نامشروع شده نیز در قالب مسئولیت خارج از قرارداد تحلیل شود، نظام واحدی بر مسئولیت این اشخاص حاکم خواهد بود و رسیدگی به دعاوی مربوطه تسهیل می‌گردد.

۲.۱. امکان سنجی مطالبه انواع خسارات ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

به طور کلی زیان وارده به اشخاص ممکن است مادی یا معنوی باشد. در خصوص ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، این سؤال مطرح می‌شود که خسارت وارده به زیان‌دیده صرفاً خسارت معنوی است یا امکان مطالبه زیان مادی نیز وجود دارد؟ در ادامه، امکان مطالبه خسارات مادی و معنوی ناشی از رابطه نامشروع بررسی می‌گردد.

۱.۲.۱. مطالبه ضرر مادی

در قوانین نخستین انگلستان، زن به مثابه مالی مادی در نظر گرفته می‌شد و زمانی که شخصی از طبقه پایین با همسر شخصی از نجیب زادگان زنا می‌نمود، طریق جبرانی که به زانی تحمیل می‌شد این بود که همسری دیگر برای شوهر فراهم نماید. مبنای مسئولیت مدنی در این نظریه، اعاده حقوق مالکانه شوهر بود. زیرا زنا به اموال شوهر آسیب رسانیده است. (Carnelley, 2013, p. 202) پس از نسخ عرف ارباب رعیتی، خسارات مالی ناشی از تقصیر زوجین نیز دستخوش تغییر گردید و نظریه حقوقی از دست دادن کنسرسیوم^۱ یا مشارکت همسر مطرح گردید. در فرآیند اول قانونگذاری که مدیریت خانواده برای زوج بود، حق بهره‌مند شدن از خدمات خانگی و برقراری رابطه زوجیت برای وی، ایجاد یک کنسرسیوم می‌نمود. مقارن استقلال مالی و معیشتی زنان، مشارکت مالی و عاطفی زوجین به برابری رسید؛ هر یک از آنان حق انتفاع از مشارکت عاطفی، حمایت مالی و معاشقه جنسی با دیگری را داشت که ایجاد یک کنسرسیوم می‌نمود. لذا از بین رفتن حق مزبور در مقررات قدیم، فقط زوج را مستحق مطالبه خسارت از بین رفتن خدمات عاطفی و کارهای زن در

¹Loss of Consortium

منزل می‌نمود و اصلاحات بعدی، هر یک از طرفین را ذیحق در مطالبه چنین ضرری می‌کرد. در واقع محرومیت از حق مشارکت همسر، واجد وصف مالی می‌باشد؛ به همین علت برخی محاکم ادعای زیان معنوی مرتبط با این دعاوی را رد می‌نمودند. (Baio, 1982, pp. 1348-1356) جنبه دیگری از ضرر مادی که در برخی آراء مورد توجه قرار گرفته، هزینه‌های زندگی زوجه‌ای است که مکرراً مرتکب رابطه نامشروع شده است. در قضیه فی^۱ قاضی ارتکاب مکرر روابط نامشروع از سوی زوجه را مورد توجه قرار داد و بیان داشت که این فرض همانند «نگهداشتن یک فاحشه به هزینه شوهر و مجبور کردن او به پرداخت هزینه کسی است که هیچ گونه لذتی از آن نمی‌برد.» (Howlin, 2016, p.18)

در ایران وجود کنسرسیوم زناشویی قابل تأمل است. خسارات مالی که در نتیجه مفارقت عاطفی ناشی از رابطه نامشروع به شوهر وارد می‌گردد، شامل از دست دادن خدمات خانگی زوجه و برقراری رابطه جنسی می‌گردد. خدمات زوجه در منزل ارزش اقتصادی دارد، لیکن زوجه تکلیف قانونی در انجام آن ندارد و در صورتی که آن وظایف را به درخواست زوج انجام دهد می‌تواند ما به ازای آن را مطالبه نماید. حقوق مالی زوجه، مانند نفقه نیز تا زمان بقای نکاح و اجتماع شرایط قانونی به زوجه تعلق می‌گیرد. در نتیجه مسئولیتی جهت جبران خسارت مادی، در فرض محرومیت زوج از خدمات خانگی، در حقوق ایران قابل تحقق نیست. تمکین خاص از وظایف زوجه می‌باشد، منتها، ارزش گذاری مالی نسبت به آن بر خلاف جایگاه اخلاقی عقد نکاح می‌باشد.

بنابراین، امکان ورود ضرر مالی تنها در فرضی ممکن است که متضرر فرصت مالی را به علت مصالح خانوادگی از دست بدهد، به گونه‌ای که اگر می‌دانست عامل زیان، مرتکب رابطه نامشروع می‌شود، وارد این رابطه زناشویی نمی‌شد. به عنوان مثال، ممکن است همسر به علت پایبندی به شریک زندگی خود، به طور کلی فرصت اشتغال یا فرصت شغلی پرمفعت را در کشوری خارجی رها کند و در میانه زندگی مشترک با رابطه نامشروع شریک زندگی خود روبرو شود که در این خصوص موضوع «فرصت از دست رفته»^۲ مطرح می‌گردد. هدف این نظریه جبران ضررهای ناشی از تفویت این دست منافع ارزشمند می‌باشد. فرصت از دست رفته می‌تواند در مورد محرومیت از کسب نفعی در آینده یا اجتناب از ضرری در آینده صدق کند که شامل زیان مادی و معنوی می‌گردد. منتها، به دشواری می‌توان در موضوع بحث به این نظریه استناد کرد. اول اینکه برخی معتقدند مطالبه خسارت فرصت از دست رفته محدود به سه گونه دعاوی می‌گردد: گروه اول، دعاوی مربوط به

¹ Fay v. Barber (1797)

² Loss of Chance

مسئولیت حرفه‌ای وکلا که وکیل در احقاق حقوق قانونی موکل خود تقصیر یا قصور نموده است. گروه دوم، دعاوی مرتبط با خطای پزشکی که به واسطه آن فرصت مداوای مناسب از بیمار سلب گردیده است. گروه سوم، دعاوی مربوط به سلب فرصت حضور در محیط‌های سیاسی، ورزشی، تجاری، مسابقات بخت‌آزمایی و غیره می‌باشد که زیان‌دیده به جهت اینکه فرصت حضور و برنده شدن احتمالی در آن رقابت را از دست داده می‌تواند به عامل زیان مراجعه نماید. (امینی، ناطق نوری، ۱۳۹۰، ص. ۲۲) لذا در روابط زناشویی، مطالبه فرصت از دست رفته ممکن نیست؛ دوم اینکه، عدم‌النفعی که در حقوق ایران مورد شناسایی قرار گرفته، با نظریه فرصت از دست رفته تفاوت دارد؛ زیرا در نظریه فرصت از دست رفته، احتمال حصول نتیجه مطلوب زیان‌دیده ضعیف است و مجوز جبران خسارت نیست (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۸) در حالیکه عدم‌النفع، زمانی مستلزم جبران خسارت است که صدق عرفی اتلاف نماید، یعنی ضرر مسلم باشد.

بنابراین، هرچند ممکن است در نتیجه ازدواج، وضعیت مالی طرفین تغییر نماید یا اینکه یکی از معیارهای طرفین، بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی خود باشد، لیکن هدف مستقیم و اصلی عقد نکاح به دست آوردن مال نیست. به نظر می‌رسد آنچه که در نتیجه ارتکاب رابطه نامشروع توسط یکی از زوجین، لطمه می‌بیند، عواطف و حیثیت فرد است، نه مال و دارایی وی. بنابراین، شناسایی ضرر مالی به دلیل مخالفت با فلسفه و ماهیت عقد نکاح، در حقوق ایران دشوار می‌باشد.

۲.۲.۱. مطالبه ضرر معنوی

ضرر معنوی در اثر لطمه به حقوق غیرمالی اشخاص به بار می‌آید و بر دو قسم لطمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی است. (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۷۸) آسیب‌های معنوی ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی مانند صدمه‌های بدنی که موجب درد جسمی می‌گردد، می‌تواند باعث درد و رنج روحی یا حتی موجب بیماری‌هایی مانند پرخاشگری، استرس، بی‌خوابی و غیره گردد؛ همچنین می‌تواند موجب سرافکندگی شخص در خانواده یا اجتماع شود. (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۳۹-۴۰) در حقوق فرانسه، ضرر معنوی ممکن است ناشی از تجاوز به حق خانوادگی باشد. برخی آراء صادره از دادگاه‌های فرانسه به شوهر حق داده است که بر همسر زناکار یا شریک او یا تنها بر شریک مقصر، دعاوی مسئولیت مدنی اقامه کند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹، صص. ۱۰۶-۱۳۱)

مستند به اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری، در لزوم شناسایی و جبران خسارت معنوی در حقوق ایران تردیدی وجود

ندارد. منتها، برخی حقوق‌دانان مخالف تقویم زیان‌های معنوی به مال مادی بوده‌اند که قانون جدید آیین دادرسی کیفری، طریقه مالی جبران خسارت معنوی را تجویز می‌نماید.^۱ به علاوه پرداخت مال، وضع زیان‌دیده را بهتر می‌نماید و ترس از محکومیت مالی، عامل بازدارنده‌تری نسبت به طریقه‌های غیرمالی جبران خسارت معنوی، محسوب می‌شود. لذا به نظر می‌رسد، شیوه جبران به معادل مالی ضررهای معنوی و جاهت فقهی و قانونی دارد. زیرا، قانون‌گذار برای جبران برخی زیان‌های معنوی همانند سلب امکان لذت از زندگی و زوال برخی منافع (از بین رفتن لذت جنسی، بی‌خوابی، بی‌حسی و ...) شیوه جبرانی مالی مشتمل بر دیه یا ارش تعیین کرده است. (قاسم زاده، ۱۳۸۷، صص. ۸۷-۸۵)

همین دیدگاه در برخی آراء محاکم نیز پذیرفته شده است. شعبه پنجم دادگاه عمومی حقوقی داراب به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۳۹۰۰۶۳۵۷۱۳۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ در خصوص مطالبه خسارت معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع که از سوی زوج علیه زوجه مطرح شده چنین استدلال می‌نماید «... اگرچه ضرر و زیان معنوی قابل ارزش‌گذاری مادی نیست، لکن این امر بدان معنی نیست که نباید به جبران آن توجه شود؛ چه آنکه جبران نشدن این خسارات وارده به روح و روان افراد جامعه می‌تواند موجب تجری کسانی گردد که در اندیشه تعدی به حقوق سایرین هستند و ... این موضوع به صراحت در اصول ۲۲ و ۱۷۱ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته؛ لکن باید اشاره نمود که اگر چه نفس چگونگی جبران خسارت ذاتاً قابل کارشناسی نیست، لکن به صراحت مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه باید رأساً با توجه به اوضاع و احوال قضیه حکم بر جبران خسارت صادر نماید؛ چرا که از نادیده انگاشتن آن ارجح بوده و حداقل موجب تشفی خاطر زیان‌دیده خواهد بود ...» با همین استدلال، این شعبه حکم به جبران خسارت معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع توسط زوجه به صورت مالی را مورد پذیرش قرار داده است.

۲. ارکان تحقق مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

برای ایجاد مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی، وجود ارکان ذیل ضروری است.

^۱ تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴

۱.۲. وجود رابطه زوجیت

در خصوص تحقق مسئولیت مدنی در فرض ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین در نکاح دائم، تردیدی وجود ندارد؛ لیکن آیا شخص می‌تواند به استناد نامزدی، همزیستی مدنی^۱ یا نکاح موقت، علیه دیگری دعوی مطالبه خسارت به دلیل رابطه نامشروع مطرح نماید؟ در حقوق آمریکا وجود ازدواج مشروع زیان‌دیده و خوانده، شرط تحقق مسئولیت می‌باشد. (Weifei, 2016, p. 39) البته به طور دیرینه در کامن‌لا، زیان معنوی ناشی از هم‌خوابگی نامشروع، شامل موارد دیگری نیز می‌گردد. اولین مورد، اغوا و تدلیس^۲ در برقراری رابطه می‌باشد که زنان می‌توانستند بابت مواردی مانند تجاوز، رابطه‌ی جنسی اجباری و رها شدن بعد از بارداری، دعوی جبران خسارت مطرح نمایند. (Vandervelde, 1996, p. 812) مورد دوم، هم‌خوابگی نامشروع در دوران نامزدی است. در گذشته، در حقوق کامن‌لا و بر اساس قوانین کلیسا، برهم زدن نامزدی مسئولیتی ایجاد نمی‌کرد؛ لذا برخی اعتقاد داشتند که بر خلاف ماهیت اعمال تجاری که تنها هدف طرفین کسب سود است و به همین جهت نقض مذاکرات پیش قرارداد می‌تواند ایجاد مسئولیت نماید، در عقد نکاح هدف طرفین خوشبختی متقابل است، لذا طرفین در این دوران آزمایشی، آزادی کامل دارند تا یکدیگر را مورد سنجش قرار دهند و احراز عدم تفاهم طرفین، تنها در دوران نامزدی ممکن است. بنابراین، عدول از وعده نکاح سبب ایجاد مسئولیت نمی‌گردد. (Wright, 1924, pp. 364-370) اما اگر این امتناع بدون رعایت مراتب حسن نیت و با تقصیر صورت پذیرد، باید از متضرر حمایت کرد. حسن نیت اقتضا می‌نماید، به محض اینکه شخص، نامزد خود را مناسب ندید، به طور معقولی به ایشان اعلام نماید. پس هم‌خوابگی نامشروع و بدون رعایت درستکاری در دوران نامزدی تقصیر عرفی و اخلاقی محسوب می‌گردد و با اجتماع سایر شرایط می‌تواند موجب مسئولیت خوانده گردد. در اینجا منظور از تقصیر، نقض اتکای معقول خواهان به ازدواجی است که برای آن مقدمه چینی کرده است؛ مثلاً شغل خود را تغییر داده یا از فرصت عاطفی دیگری صرف‌نظر کرده است و دیگری بدون سبب معقول و مشروع و حسب تمایلات غیرموجه با ثالثی رابطه نامشروع برقرار می‌نماید. در این حالت به نظر می‌رسد که خسارت وارده باید جبران گردد، چه اینکه اگر این رابطه نامشروع نبود، زیان‌دیده دچار عارضه روحی نمی‌گردید و اگر از این رابطه نامشروع یا حتی امکان آن اطلاع داشت، وارد دوران نامزدی نمی‌شد. به طور مثال، دیوان عالی هند در رأی خود^۳ مقرر داشت، زیان معنوی تنها

¹ Cohabitation

² Seduction

³ Nhlapo v Zimu (2016/8478) [2017] ZAGPJHC 236 (1 September 2017)

در مواردی می‌تواند باعث ایجاد مسئولیت گردد که ناشی از تقصیر خوانده، به معنی تجاوز از قانون باشد و خواهان را به دلیل لطمه به تمامیت معنوی ناشی از نقض وعده ازدواج، مستحق ۵۰۰۰۰۰ روپیه دانست.

همین دیدگاه در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است؛ ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، صرف امتناع از وصلت را موجب ایجاد مسئولیت نمی‌داند. برخی معتقدند، اگر شخصی دیگری را مغرور نماید و به نوعی در دوران نامزدی تدلیس کند، یا بر هم خوردن نامزدی در نتیجه تقصیر وی باشد، از باب تسبیب ضامن ضرر وارده می‌باشد. (سعادت، علیشاهی قلعه‌جوقی، ۱۳۹۶، ص. ۷۲) در اینجا منظور از غرور صرف فریب خوردن نیست؛ بلکه مقصود فریب دادن همراه با سوء نیت و امری ذهنی است که مربوط به نیت فریب دهنده می‌باشد. به طور نمونه، بین شخصی که به علت تنهایی با دیگری نامزد می‌شود، سپس، شریک بهتری پیدا می‌کند و با کتمان این حقیقت با شخص سوم روابط خارج از پیمان اولیه برقرار می‌کند و فرضی که فردی با نیت سوء استفاده جسمی و مالی با دیگری نامزد می‌نماید، می‌توان قایل به تفکیک گردید و در فرض دوم عامل زیان را مقصر دانست.

در خاتمه باید متذکر شد که وجود رابطه زوجیت بین طرفین، نه من باب احراز رابطه قراردادی، بلکه به منظور احراز تقصیر (نقض تعهد وفاداری) و اثرگذاری بر زیان‌دیده (تحقق آسیب روانی)، اهمیت دارد. چه اینکه مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی یک مسئولیت قراردادی نیست که وجود یک قرارداد معتبر، شرط تحقق آن باشد. به عبارت دیگر اگر رابطه مشروعی بین طرفین وجود نداشته باشد، عرفاً «نقض تعهد وفاداری» محقق نشده و زیان وارده نیز، بر فرض وجود، زیان مشروع و قابل جبران نمی‌باشد. لذا مطالبه خسارت در جایی که رابطه زوجیت وجود ندارد، ولی یک «اعتماد معقول و مشروع» بین طرفین تحقق یافته (مثل نامزدی) نیز قابل پذیرش است. با این تفاوت که وجود خسارت در فرض وجود رابطه زوجیت مسلم و در فرض عدم وجود آن، باید اثبات گردد.

۲.۲. تحقق رابطه نامشروع

برقراری رابطه نامشروع تقصیر تلقی می‌گردد و شرط جبران خسارت است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا صرفاً رابطه نامشروع در معنی خاص (زنا)، موجب ایجاد مسئولیت می‌گردد؟ قانونگذار به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، زنا را دخول مرد در قُبُل یا فرج زنی تعریف می‌نماید که رابطه زوجیت میان آن‌ها نباشد. (دهکلائی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰) به لحاظ حقوق کیفری^۱ زنا از جمله حدود

^۱ مواد ۲۲۱ الی ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

این دسته از جرایم است. به همین جهت، اثبات زنا برای شاکی بسیار سخت و تعمیم نوع محکومیت کیفری دایر بر اقل و اکثر مجازات، به ماهیت خصوصی آن عمل، چالش برانگیز است. (پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۲)

علاوه بر این، مسئولیت کیفری بر مبنای منافع و نظم عمومی و با هدف جلوگیری از وقوع جرم و تنبیه مجرم وضع شده، در حالیکه مسئولیت مدنی به دنبال جبران خسارت و دارای جنبه خصوصی است. (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۶۶) بنابراین دادرس حقوقی لزوماً مکلف به تبعیت از آثار رأی کیفری و تفکیک روابط منافی عفت از زنا برای تخصیص خسارت به زیان‌دیده نمی‌باشد و باید به عموماًت مسئولیت مدنی استناد نماید. به طور مثال، اگر عکس شوهر و زن نامحرمی در سونای خصوصی، توسط همسر کشف شود، زیان‌دیده یا حتی دادرس مدنی، منطقاً علم به وقوع رابطه نامشروع حتی در حد زنا، قبل یا بعد از عکس خصوصی در خلوت دارند؛ اما دادرس کیفری تنها به استناد شواهد می‌تواند حکم به محکومیت متهمین نسبت به ارتکاب روابط منافی عفت مادون زنا صادر نماید. بنابراین هر چند برخی با ادعای دشوار بودن اثبات تقصیر، پیشنهاد مسئولیت محض یا فرض تقصیر و معاف نمودن زیان‌دیده از اثبات تقصیر را مطرح نموده‌اند (خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۸)، لیکن به نظر می‌رسد در مسئولیت مدنی ناشی از رابطه نامشروع، ضرورت اثبات تقصیر (تحقق رابطه نامشروع) غیرقابل انکار است و با توجه به موازین اخلاقی و شرعی که هر نوع رابطه نامشروع و نامتعارف را غیرمجاز (تقصیر) تلقی می‌کند، اثبات تقصیر برای زیان‌دیده چندان دشوار نخواهد بود.

سایر روابط نامشروع مانند مساحقه، لواط یا تفخیز نیز می‌تواند مستند دعوی خسارت قرار گیرد. به طور نمونه در صورتی که زوج مرتکب عمل شنیع لواط گردد، ممکن است لطمه بیشتری به تمامیت معنوی زن وارد و وی را دچار سرشکستگی بیشتری در دید مطلعين نماید. لذا صدق عرفی هم‌خوابگی و رابطه نامشروع (اعم از جنسی، فیزیکی و غیر آن) برای احراز این شرط به نظر کافی می‌رسد. نوع عمل انجام شده و شدت و ضعف تقصیر، صرفاً می‌تواند تأثیر متفاوتی در میزان ضرر وارده داشته باشد.

۳.۲. تأثیر محکومیت کیفری

در این خصوص چند فرض قابل تصور است. اگر حکم محکومیت کیفری در خصوص ارتکاب رابطه نامشروع، در هر اندازه وجود داشته باشد، عنصر تقصیر مدنی محقق است و با وجود سایر شرایط حکم به مسئولیت مدنی صادر خواهد شد. زیرا جرایم کیفری از بعد اخلال در نظم عمومی

جامعه، متهم را مستحق کیفر می‌سازد و دعوای مدنی طبق تجویز قانونگذار^۱ به تبع مسئولیت کیفری، مدعی خصوصی را قادر می‌سازد تا جبران زیان‌های مادی و معنوی خود را مطالبه نماید. به علاوه، دعوای کیفری درصدد حراست از منفعت عمومی است و بر دعوای مدنی که هدفش حفظ منفعت شخصی است، حاکمیت دارد. از این رو مفاد آمره ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری، رأی قطعی کیفری را که قاطع در ماهیت حقوقی قضیه باشد، برای دادگاه حقوقی لازم‌الاتباع می‌داند. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۲۵-۲۶)

فرض دوم مربوط به مواردی است که دادگاه کیفری، زنا یا روابط منافی عفت مادون آن را احراز نکرده و حکم بر برائت صادر نموده باشد. در اینجا باید بین دو حالت تمایز قائل شد؛ اگر دادگاه به دلیل فقدان ادله کافی مبنی وجود هر گونه رابطه، رأی به بی‌گناهی متهم صادر نموده و معتقد باشد اساساً متهم مرتکب رابطه‌ای نشده یا دلیل کافی در این خصوص وجود ندارد، طرح دعوی خسارت در دادگاه حقوقی نیز ممکن نیست. لیکن اگر حکم برائت، به دلیل جرم نبودن عمل ارتكابی باشد، یعنی دادگاه اصل ارتكاب عمل را احراز کرده، لیکن آن را جرم ندانسته، دادگاه حقوقی می‌تواند این عمل را به عنوان تقصیر عرفی، موجب مسئولیت تشخیص دهد.

فرض سوم حالتی است که به هر دلیلی پرونده کیفری مطرح نشده و حکم کیفری دال بر محکومیت یا برائت خوانده وجود نداشته باشد. اگر در چنین مواردی، زیان‌دیده را برای مطالبه خسارت، ملزم به طرح شکایت کیفری و اخذ حکم محکومیت نماییم، غیرمنطقی و بعضاً خود مستلزم تحمیل زیان معنوی مضاعفی بر زیان‌دیده است که ممکن است، وی را حتی از مطالبه حقوق خود نیز منصرف نماید. به نظر می‌رسد، دادگاه حقوقی، ولو حق احراز وقوع جرم و امر کیفری را ندارد، لیکن صلاحیت رسیدگی به تخطی از نقض تعهد وفاداری در مفهوم عام خود یا ارتكاب تقصیر در رابطه زناشویی را دارد. زمانی که ارتكاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین آشکار گردد، ولو اینکه حکم کیفری در این خصوص صادر نشده باشد، اعتماد، اطمینان و آرامش زندگی و سلامت عاطفی، رفتاری و ارتباطی داخل خانواده از بین می‌رود؛ همسر وی نیز احساس ناخوشایند فریب خوردن را دارد و احساس می‌کند، تلاش‌ها، زحمات‌ها و فداکاری‌های او از دست رفته است. (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۴۰) از این رو عدم پذیرش جبران خسارات معنوی، به صرف عدم صدور حکم کیفری، خلاف اصول حقوقی است.

^۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴

۳. نحوه جبران و معیارهای ارزیابی خسارت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

مهم‌ترین دشواری در جبران خسارت معنوی، ارزیابی این خسارات و معیارهایی است که در این خصوص قابل استفاده است.

۱.۳. نحوه جبران ضرر ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

اولین هدف مسئولیت مدنی، بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی است که قبل از ورود ضرر داشت. اعاده زیان‌دیده به وضعیت سابق^۱ در مورد زیان‌های مادی و معنوی تفاوت دارد. در حقوق کامن‌لا، نحوه ارزیابی خسارت معنوی با تحولاتی همراه بوده است؛ از سال ۱۷۵۰ به بعد، نگرانی اصلی، «از دست رفتن آسایش روحی زیان‌دیده» بود و ارزیابی خسارت به «میزان خوشبختی زوج قبل از رابطه نامشروع» بستگی داشت؛ در اواخر قرن هجدهم جبران خسارت معنوی با تأکید بر «آبروی از دست رفته» زیان‌دیده صورت می‌پذیرفت. در قرن بیستم، در آراء متعددی دو عامل «ارزش واقعی زن خطاکار برای شوهر» و «غرامت مناسب به زیان‌دیده به خاطر آسیب به احساسات و شرافت او» مد نظر قرار گرفت. (Howlin, 2016, pp. 14-15) به طور کلی این گونه خسارات در کامن‌لا به عنوان از دست رفتن آرامش^۲، به معنی از دست دادن لذت زندگی در مقایسه با وضعیت زیان‌دیده قبل از وقوع فعل زیانبار، شناسایی گردیده برخی نیز آن را ذیل عنوان لطمه به حیثیت شخصی، خانوادگی یا تجاری بررسی نموده‌اند. (Elliott & Quinn, 2009, p. 392) برخی معتقدند، خیانت زناشویی سخت‌ترین شکاف را در روابط زناشویی ایجاد می‌نماید. (شیورانی و همکاران، ۱۳۹۵، صص. ۸۷-۸۹) در پرونده‌های روابط نامشروع، زوجین به دنبال مرهم قلب شکسته^۳ می‌باشند و جبران مالی ضرر معنوی نیز می‌تواند سبب التیام خواهان گردد.

هر چند که اصل جبران ضرر معنوی از طریق مالی در حقوق ایران مورد تردید نیست؛ لیکن تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مطالبه ضرر معنوی در موارد دیه و تعزیرات منصوص شرعی را ممنوع دانسته است. این حکم مبتنی بر این دیدگاه است که کل خسارات از طریق دیه و بنا یا تعزیر، جبران می‌شود و امکان مطالبه خسارت دیگری وجود ندارد. زنا از جمله حدود است و بنا به نظری روابط منافی عفت مادون زنا از تعزیرات منصوص شرعی می‌باشد (صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۸، صص ۵۹-۶۸) که اگر این دیدگاه پذیرفته شود، مطالبه خسارت معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع مادون زنا در زندگی زناشویی غیرممکن خواهد بود. به نظر می‌رسد که تعزیرات

¹ Restitutio In Integrum

² Loss of Amenity

³ Hearth Balm

منصوص شرعی صرفاً محدود به مواردی است که میزان و نوع تعزیر در شرع تصریح شده^۱ که با این تعریف، موارد تعزیر منصوص شرعی بسیار محدود شده و عمده اعمال منافی عفت مادون زنا در زمره تعزیرات منصوص شرعی قرار نمی‌گیرد و مطالبه خسارت معنوی در خصوص آنها با منع قانونی مواجه نمی‌باشد. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۸۶) در مقابل برخی دیگر، تعزیر منصوص شرعی را شامل مواردی می‌دانند که صرفاً موجب و نوع آن توسط شرع تعیین شده (زجاجی و الممیر، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۹) که با این فرض، مصادیق متعددی از روابط نامشروع از جمله قرار گرفتن دو زن، دو مرد، یا یک زن و مرد نامحرم بدون ضرورت در زیر یک پوشش از مصادیق تعزیرات منصوص شرعی محسوب می‌شود. (زجاجی و الممیر، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۲) به نظر می‌رسد، دیدگاه نخست که دامنه تعزیرات منصوص شرعی را مضیق‌تر تعریف نموده و امکان جبران خسارت معنوی را بیشتر فراهم می‌نماید، با اصل جبران کامل خسارت و قاعده لاضرر سازگارتر است.

اصولاً جبران ضرر معنوی به سه شیوه صورت می‌گیرد؛ (۱) جبران به عین: یعنی ضرر وارده به مثلش جبران گردد، مثل وقتی که شخصی به همسر خود افترا می‌زند و مفتری محکوم به عذرخواهی در جراید گردد. (۲) جبران به معادل: زمانی که جبران با پرداخت پول صورت می‌پذیرد. (۳) جبران نمادین: در مواردی که ضرر معنوی وارده، قابلیت تقویم به پول را ندارد یا زیان‌دیده مایل به آن نمی‌باشد. (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵، صص. ۱۰-۸) دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۱/۲۲ صادره از شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان فارس در پرونده کلاسه ۰۱۰۰۰۶۶ مؤید شیوه دوم، یعنی جبران ضرر معنوی به معادل مالی است. دادگاه روابط منافی عفت همسر خواهان با شخص ثالثی را سبب ایراد ضرر به تمامیت معنوی زوج دانسته است. چون این خسارت دیه مقدر نداشته، به استناد نظریه پزشکی قانونی خواندگان را محکوم به پرداخت سه در صد دیه کامل به عنوان ارش می‌نماید. جبران ضرر معنوی به معادل مالی، ضمانت اجرای مناسبی می‌باشد؛ زیرا خوف محکومیت مالی ابزاری قوی برای بازدارندگی است. از سوی دیگر، تقویم ضرر معنوی و پرداخت آن به زیان‌دیده، قلب وی را التیام می‌بخشد. مضافاً اینکه جبران عینی ضرر معنوی، مانند الزام به عذر خواهی همسر خطاکار، درج حکم در جراید و غیره، با فلسفه بزه‌پوشی و کتمان امور غیراخلاقی مغایرت دارد و سبب تشدید ضرر معنوی و سرافکندگی بیشتر زیان‌دیده در اجتماع می‌گردد. شعبه پنجم دادگاه عمومی حقوقی داراب نیز در دادنامه پیش‌گفته^۲، در خصوص محاسبه خسارت معنوی وارد به زوج در نتیجه رابطه

^۱ نظریات مشورتی شماره ۷/۹۲/۹۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۸ و ۷/۰۲/۱۴۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه

^۲ دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۳۹۰۰۶۳۵۷۱۳۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ شعبه پنجم دادگاه عمومی حقوقی داراب

نامشروع همسرش که در دادگاه کیفری یک به اثبات رسیده است، با استناد به قانون مسئولیت مدنی که تشخیص و تعیین نحوه جبران خسارت را در اختیار دادگاه قرار داده و با توجه به محکومیت خواهان (زوج) به پرداخت مهریه در حق خوانده (زوجه) به استناد مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری، ضمن وارد دانستن دعوی مطروحه، حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت تعداد ۲۰ عدد سکه بهار آزادی طرح جدید بابت خسارت ناشی از رابطه نامشروع غیر از زنا در حق خواهان صادر نموده است. البته شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان فارس به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۲۱۲۳۹۰۰۰۸۷۰۶۲۸۳، ضمن تأیید اصل رأی و با ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری، مبلغ خسارت وارده را به قیمت ۲۰ سکه بهار آزادی در زمان صدور رأی، یعنی نهصد میلیون تومان اصلاح و دادنامه بدوی را تأیید نموده است.

دومین هدف مسئولیت مدنی، از بین بردن منبع ضرر می‌باشد. به این معنی که هر گاه فعل زیان‌بار به طور مستمر سبب ورود ضرر می‌شود، از بین بردن ضرر یکی از راه‌های اعاده وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود می‌باشد. از بین بردن ضرر از دید عرف یکی از طرق جبرانی خسارت است. به عنوان مثال، قاضی می‌تواند علاوه بر حکم به پرداخت خسارت، برای رفع موقعیت زیان‌بار، نشردهنده را محکوم به عذر خواهی و تکذیب نوشته کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۶۸۰) زیان‌دیده ممکن است، در نتیجه رابطه نامشروع همسر، مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه^۱ گردد که مشتمل بر درد و رنج روحی مانند کابوس‌های شبانه، استرس تکرار آن، افسردگی، اختلال در حافظه و غیره می‌باشد؛ (ساروخانی و مرادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲) در علم روانشناسی، یکی از درمان‌های اختلال فشارهای روانی بعد از ضربه روحی، دور کردن فرد از موقعیت بحران است و گرنه تجدید خاطرات باعث وخامت بیماری می‌گردد (بثر، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۱-۱۰۷) ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، به معنی شکستن پیمان وفاداری و تجاوز از روابط انحصاری جنسی همسران می‌باشد که می‌تواند تا مدت‌ها قربانی را درگیر بدبینی، افسردگی، خود انزجاری، احساس گناه، افکار خودکشی، زودرنجی، بی‌خوابی، خستگی، لاغری و غیره نماید. اما اشخاص، به دلیل تفاوت شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و غیره، واکنش‌های متفاوتی نسبت به این اختلال روانی انجام می‌دهند. از آنجایی که یکی از اهداف مسئولیت مدنی قطع منشأ ضرر می‌باشد، مواردی که زیان‌دیده به تشخیص پزشکی قانونی دچار اختلال پس از ضربه گردیده و حضور همسرش سبب تشدید بیماری روحی می‌شود،

¹ Post Traumatic Stress Disorder (PTSD)

حفظ حقوق فردی قربانی و تضمین سلامت وی، جدایی زوجین (طلاق) را تجویز می‌نماید و می‌تواند به عنوان مصداقی از عسر و حرج شناسایی شود.

۲.۳. معیارهای ارزیابی ضرر معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

چنانکه بیان شد، مهم‌ترین جنبه زیان ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، زیان‌های معنوی مشتمل صدمات روحی (افسردگی، هتک عزت نفس، نقض حق انحصاری رابطه جنسی، سوء ظن، اضطراب، مرگ عاطفی) و از بین رفتن آبرو و اعتبار خانوادگی است؛ هرچند که ارائه معیارهای انحصاری جهت ارزیابی ضررهای معنوی دشوار است، لیکن می‌توان از معیارهایی برای این امر بهره جست: ۱) معیارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل اقامت طرفین، ۲) درجه تأثیر آسیب وارده به عواطف خواهان، ۳) میزان توجه و اعتنای زیان‌دیده به همسر خود، ۴) دفعات و نحوه انجام رابطه نامشروع و ۵) موقعیت اجتماعی و شغلی زیان‌دیده. (Weifei, 2016, pp. 33-40) علاوه بر این ۶) تأثیر تقصیر زیان‌دیده در ارزیابی خسارت نیز قابل بررسی است.

۱.۲.۳. معیارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل اقامت طرفین

یکی از معیارهای مهم در ارزیابی خسارت معنوی، عرف‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل است. میزان تأثیرگذاری رابطه نامشروع بر همسر شخص خطاکار با توجه به شرایط عرفی محل بسیار متفاوت است. به طور مثال در پرونده سببونا علیه چاکا^۱ یکی از قضات دیوان عالی کشور نامبیا، قاضی کامن‌لا را توسعه دهنده و مفسر حقوق عرفی می‌داند و استدلال خود را بر انطباق‌پذیری احکام دادگاه‌ها با تغییر معیارهای اجتماعی قرار می‌دهد و این پرسش را مطرح می‌نماید که آیا زنای محصنه مورد حساسیت حقوق کیفری است یا خیر و به تبع آن مسئولیت حقوقی ایجاد می‌نماید؟ در این رأی تصریح شده است که مفهوم تقصیر که سبب ایجاد مسئولیت مدنی می‌گردد، مفهومی نسبی است که با توجه به شرایط فرهنگی معین می‌گردد.

ممکن است گفته شود که تفسیر عرفی از تعهدات عقد نکاح، خلاف فلسفه، این عقد است؛ به عنوان نمونه، در مقدمه قانون ازدواج کانادا ذکر گردیده که ازدواج تأسیسی بنیادین در جامعه است و پارلمان مکلف به حمایت از آن می‌باشد. زیرا باعث تقویت تعهد در روابط و نشانگر اهمیت زندگی خانوادگی برای شهروندان است. (Civil Marriage Act, 2023, p. 2) بنابراین، هم‌خواه‌گی نامشروع تقصیر قانونی به معنی تجاوز از حکم قانونگذار است و نمی‌توان رکن تقصیر را با توجه به موقعیت

¹ Sibonga v Chaka and Another (77 of 2014) [2016] NASC 16 (19 August 2016)

زمانی یا مکانی زایل نمود. اما ممکن است تقصیر قانونی حسب عوامل مختلف، تشدید یا تضعیف گردد و در میزان مسئولیت مؤثر واقع گردد.

۲.۲.۳. درجه تأثیر آسیب وارده به عواطف خواهان

از آنجایی که شخصی بودن ضرر معیاری قابل قبول در تعیین میزان مسئولیت می‌باشد؛ شناسایی معیارهایی که میزان ضرر معنوی وارده بر شخص زیان‌دیده را مشخص نماید، می‌تواند ملاک مناسبی برای صدور حکم باشد. اصولاً در حقوق کامن‌لا تعیین نوع و میزان خسارت قابل پرداخت، بر عهده قاضی قرار داده شده است. یکی از قضات کامن‌لا^۱ در قضیه باترورث^۲، از معیار میزان علاقه مرد به همسر خود استفاده می‌کند تا بتواند میزان ضرر معنوی وارده در نتیجه هم‌خوابی نامشروع را ارزیابی نماید. (Howlin, 2016, p. 18) احراز این معیار به کمک قراینی مانند پاکدامنی، زیبایی، محبت و غیره که به طور کلی مشخص‌کننده شخصیت معنوی و اجتماعی همسر خاطی می‌باشد، صورت می‌پذیرد. همچنین در پرونده کلونکوری^۳ با توجه به اینکه خوانده خانمی بود که در اولین باری که با متهم تنها بودند، مرتکب رابطه نامشروع (زنا) شده بود، دادگاه با این استدلال که خوانده زنی متواضع، تربیت شده با عادات مذهبی نبوده است، لذا خسارت پرداختی به خواهان را کاهش داد. (Howlin, 2016, p. 19)

یکی از اقسام ضرر معنوی، ضربه روحی است و انتخاب این معیار به سادگی بیان می‌نماید که زیان‌دیده، به تبع عشق بیشتر، ضربه بیشتری را تحمل می‌نماید. علاوه بر این، ویژگی‌های روحی زیان‌دیده نیز در ارزیابی میزان تأثیری که صدمه عاطفی می‌تواند به وی وارد نماید مؤثر است که در ادامه به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۲.۳. میزان توجه و اعتنای زیان‌دیده به همسر خود

تکلیف وفاداری در حقوق خانواده وظیفه متقابل زوجین است؛ پس در موقع ارزیابی خسارت، باید بین فرضی که شخصی علیرغم توجه همسر خود، اقدام به رابطه نامشروع می‌نماید و فرضی که عامل زیان در اثر بی‌توجهی همسر خود آن را انجام می‌دهد، تفکیک قایل شد. در حقوق کامن‌لا، در مواردی که رابطه صمیمانه زناشویی بین زوجین از بین رفته و عملاً زوجین تعلق خاطری نسبت به یکدیگر ندارند و یا در مواردی که زیان‌دیده به رابطه نامشروع همسرش با ثالث رضایت صریح یا

¹ Justice McCardie

² Butterworth v. Butterworth and Englefield (1920)

³ Cloncurry v. Piers (1807)

ضمنی داده، مسئولیتی برای متخلف به وجود نمی‌آید. (Thompson, 1979, p. 244) لیکن اصل بر این است که تا زمان بقای رابطه زوجیت، این مسئولیت برای متخلف ایجاد می‌شود، ولو اینکه طرفین در شرف طلاق و جدایی باشند. به طور مثال، دیوان عالی در پرونده گیبسون^۱، هم‌خواه‌گی نامشروع یکی از زوجین در زمان مفارقت جسمانی منتهی به طلاق را سبب زوال مسئولیت مدنی متخلف ندانسته است. زیرا تنها، انحلال نکاح باعث سقوط تعهدات قانونی همسران می‌گردد. دادگاه استدلال خود را متکی بر این نکته نمود که هر چند زوجین مایل به زندگی مشترک نمی‌باشد، اما تا طلاق انجام نشده، امید به اصلاح طرفین وجود دارد. در قضیه گاردنر^۲ نیز، هیأت منصفه خواهان را مستحق هیچ گونه خسارتی ندانست. بی‌حقی خواهان به علت ارتکاب زنا در زمان مفارقت جسمانی زوجین نبود؛ بلکه، استدلال هیأت منصفه این بود که زن به دلیل رفتارهای غیرمعارف، از ابتدای ازدواج هیچ محبوبیتی نزد شوهر خود نداشته است. پس تحقق رابطه نامشروع در دوره مفارقت جسمانی، لزوماً سبب عدم مسئولیت عامل زیان نمی‌باشد؛ به طور مثال در قضیه ویلسون^۳، دادگاه زنی که سبب مفارقت جسمانی زوجین بوده و پس از جدایی اقدام به برقراری رابطه نامشروع با زوج نموده بود را مسئول شناخت. (Smart, 2018, p. 239-240)

۴.۲.۳. دفعات و نحوه انجام رابطه نامشروع

یکی دیگر از عواملی که در تعیین میزان خسارت معنوی مؤثر است، نحوه انجام رابطه نامشروع و تعداد دفعات آن است. پیش‌تر بیان شد که هر نوع رابطه نامشروع، می‌تواند زیان‌دیده را مستحق دریافت خسارت معنوی قرار دهد و از جهت اصل مطالبه خسارت تفاوتی بین زنا و اعمال نامشروع مادون زنا و حتی رفتار نامشروع بدون تماس فیزیکی نمی‌باشد. لیکن بدیهی است که خسارت قابل جبران در هریک از موارد یاد شده متفاوت است. در فرضی که زوج یا زوجه اقدام به زنا نماید، آسیب روحی و روانی وارده و حتی صدمه به شهرت و آبروی طرف مقابل بسیار بیشتر از زمانی است که رابطه نامشروع صورت گرفته مادون زنا باشد. در خصوص تماس‌های غیرفیزیکی (مثل پیام‌ها و ارتباط‌های عاشقانه و نامتعارف) ممکن است، میزان خسارت باز هم کاهش یابد. اینکه رابطه نامشروع یک‌بار اتفاق افتاده و یا طرفین مدت زیادی با هم در رابطه بوده‌اند نیز در ارزیابی خسارت مؤثر است. البته بدیهی است که در هر مورد باید به مجموع عوامل و معیارها توجه نمود؛ لذا ممکن است در خصوص یک زن، میزان خسارت و صدمه معنوی وارده ناشی از رد و بدل شدن

¹ Gibson v. Gibson, 244 Ark. 327. 424 S.W.2d 871. 874 (1968).

² Gardner v. Gardner (1901) 17 T.L.R. 331

³ Wilson v. Genet and Wilson (1970)

پیام‌های عاشقانه توسط همسرش، بسیار زیاد باشد و در خصوص یک زن دیگر، حتی اعمال نامشروع مادون زنا نیز به این اندازه خسارت معنوی به وی وارد نیاورد.

۵.۲.۳. موقعیت اجتماعی و شغلی زیان‌دیده

خواهان، می‌تواند ضرر معنوی خود را در قالب (۱) صدمات روحی که شامل درد و رنج روحی مانند قلب شکسته، افسردگی، خشم، نفرت و به طور کلی جریحه‌دار شدن احساسات و (۲) ایراد آسیب به تمامیت معنوی که شامل تحقیر و تخفیف موقعیت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی می‌باشد، مطرح نماید. بنابراین در نظر گرفتن اوصاف زیان‌دیده در اجتماع، معیار مناسبی برای تقویم زیان معنوی است. به طور مثال آیا برقراری رابطه نامشروع در یک فرد متعارف که دارای جایگاه شغلی و مقبولیت عمومی است با یک فرد متجاهر به اخلاق قبیح که خودش نیز مقید به اخلاقیات نیست، به یک میزان تمامیت معنوی زیان‌دیده یا آبروی او را مورد آسیب قرار می‌دهد؟

رویه قضایی کاملاً، امور موضوعی مختلفی مانند موقعیت اجتماعی خواهان و خوانده، نوع رابطه و نسبت فامیلی آن‌ها، میزان تغییر شخصیت همسر خطاکار بعد از رابطه نامشروع و تغییر مسئولیت زیان‌دیده در مورد نگهداری مادی و معنوی فرزندان را مورد سنجش قرار می‌دهد. به طور مثال در قضیه مَسی علیه هدفورد^۱، موقعیت اجتماعی زیان‌دیده موجب تشدید خسارت معنوی گردید؛ زیرا زیان‌دیده کشیش بود و رابطه نامشروع همسر وی در زمانی رخ داد که او در کلیسا مشغول انجام اعمال مذهبی بود. همچنین در قضیه مک‌کرایث^۲، دادگاه خوانده را که با همسر خواهان مرتکب رابطه نامشروع شده بود، به دلیل دوستی و رابطه فامیلی نزدیک با خواهان، به پرداخت خسارت بیشتری محکوم نمود. (Howlin, 2016, p. 18) در حقیقت دادگاه معتقد بود که این امر سبب تأثیرگذاری بیشتری بر عواطف خواهان شده است.

۶.۲.۳. تأثیر تقصیر زیان‌دیده در ارزیابی خسارت

سؤال این است که تقصیر زیان‌دیده در ایفای تکالیف خانوادگی چه تأثیری در میزان خسارات وارده دارد؟ به طور مثال، همسری که پیش‌تر با ثالثی روابط منافی عفت برقرار کرده، در قبال ارتکاب رابطه نامشروع از سوی همسرش، حق مطالبه خسارت دارد؟ در کامن‌لا، در آراء متعددی تأکید شده است که اگر خواهان بدرفتار یا خیانتکار باشد، خسارت او کاهش می‌یابد. در پرونده پترسون^۳،

¹ Massy v Headford (1804)

² McCraith v Quinn (1872)

³ Patterson v. Pullen (1800)

دادگاه تأکید نمود که اگرچه بدرفتاری خواهان با همسرش، او را از دریافت خسارت محروم نمی‌کند، اما او را از دریافت خسارت سنگین محروم می‌کند. یا در پرونده گلراولی^۱، دادگاه به دلیل غیبت‌های طولانی خواهان از منزل، خسارت را به شدت کاهش داد. (Howlin, 2016, p. 20) علاوه بر این، بر اساس قاعده تقصیر مشترک یا تقصیر نسبی در کامن‌لا، زمانی که خواهان در انجام تکلیف مراقبت^۲ معقول، مانند تعهد به وفاداری، کوتاهی کرده و عامل زیان را در خطر قرار داده است و عامل زیان نیز از انجام تعهد مراقبت معقول ناکام مانده است، خسارت وارده بین خواهان و خوانده تقسیم می‌گردد. (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۴)

به نظر می‌رسد در حقوق ایران، عدم انجام تکالیف زناشویی را نتوان به عنوان عامل اصلی رابطه نامشروع تلقی و زیان‌دیده را از مطالبه خسارت، به طور کلی محروم نمود. لذا باید موضوع را در قالب اجتماع فعل زیان‌بار و تقصیر زیان‌دیده تحلیل نمود. در فرضی که خود زیان‌دیده نیز در ورود ضرر مشارکت داشته باشد، مسئولیت بر اساس میزان تأثیر هر یک از عوامل در ورود زیان، توزیع می‌گردد. در این گونه موارد، توزیع مسئولیت بین زیان‌دیده و شخص متخلف، به تساوی صورت می‌پذیرد، مگر اینکه درجه تأثیر رفتار ایشان، مساوی نباشد. بنابراین تقصیر زیان‌دیده در ایفای وظایف زناشویی، می‌تواند باعث کاهش مسئولیت خوانده گردد. زیرا رکن تقصیر در مسئولیت مدنی، اماره رابطه سببیت می‌باشد و می‌تواند خسارت را جزئاً یا کلاً مستند به خود زیان‌دیده نماید. لذا اگر ارتکاب رابطه نامشروع از سوی خوانده، ناشی از هیجانات آنی و در نتیجه نقض تعهد وفاداری و یا تقصیر خواهان در انجام وظایف زناشویی رخ داده باشد، خوانده دعوی می‌تواند با اثبات آن، دفاع مناسبی را در دعوی حقوقی اتخاذ نماید و از پرداخت بخشی از خسارات معاف گردد؛ البته اعمال انتقام جویانه از معاذیر قانونی تلقی نمی‌شود و تأثیری در کاهش مسئولیت عامل زیان ندارد.

نتیجه‌گیری

برقراری رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری به احساسات و عواطف و همچنین حسن شهرت و اعتبار خانوادگی اشخاص وارد آورد. هر چند که ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، نقض تعهد وفاداری به عنوان یکی از تعهدات ضمنی عقد نکاح نیز محسوب می‌شود، لیکن مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی، نقض تعهدات

¹ Glerawley v. Burn (1820)

² Duty Of Care

قانونی و عرفی و مسئولیت ناشی از آن، مسئولیت قهری و مرتبط با نظم عمومی است که هر گونه توافق بر خلاف آن را غیرممکن می‌سازد.

هرگونه رابطه نامشروع بین یکی از زوجین با ثالث، اعم از اینکه جنبه کیفری داشته یا نداشته و منتهی به حکم کیفری شده یا نشده باشد، می‌تواند موجد مسئولیت برای همسر خطاکار باشد؛ مهم آن است که عرفاً این رابطه خارج از موازین شرعی یا عرفی باشد. مبنای اساسی مطالبه خسارت، نقض تعهد وفاداری و صدمه به احساسات، عواطف و آبروی همسر است؛ لذا این مسئولیت اصولاً ناظر به مواردی است که رابطه زوجیت وجود داشته باشد، لیکن ارتکاب رابطه نامشروع در دوران نامزدی نیز می‌تواند همین اثر را به دنبال داشته باشد. ارزیابی آسیب روانی و حیثیتی وارده به زیان‌دیده اصولاً بر اساس ترکیبی از معیارهای شخصی و نوعی وابسته به زیان‌دیده صورت می‌پذیرد (میزان علاقه و توجه نسبت به همسر، تعهد در انجام وظایف زناشویی، میزان تأثیرپذیری از رابطه نامشروع، موقعیت شغلی و اجتماعی زیان‌دیده)، لیکن شدت و دفعات رابطه نامشروع و شرایط عرفی و فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل سکونت نیز در این ارزیابی مؤثر است. در برخی آراء قضایی در حقوق ایران، جبران خسارت معنوی ناشی از رابطه نامشروع یکی از زوجین، در قالب پرداخت ارش و یا استرداد درصدی از مهریه زوجه خطاکار، پذیرفته شده است؛ مضافاً اینکه از جهت از بین بردن منشأ ضرر، امکان خاتمه زندگی مشترک (طلاق بر مبنای عسر و حرج) نیز وجود دارد. شیوه‌های جبرانی مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم محکومیت در جراید، بر خلاف فلسفه بزه‌پوشی و منع فحص در جرایم منافی عفت است و بعضاً خسارت وارده به آبروی زیان‌دیده را افزایش می‌دهد.

مطالعه تطبیقی صورت گرفته حکایت از این دارد که شرایط تحقق مسئولیت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع یکی از زوجین در حقوق ایران و کامن‌لا تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد؛ تنها تفاوت موجود، تفاوت در تشخیص رابطه نامشروع، بر اساس شرایط فرهنگی، شرعی و عرفی می‌باشد. رویه قضایی کامن‌لا در پذیرش جبران خسارت معنوی و آسیب‌های روانی با پول، تردیدی به خود را نمی‌دهد و اصولاً محاکم کامن‌لا مبالغه سنگینی را برای جبران این خسارات تعیین می‌نمایند؛ در حالیکه دادگاه‌های ایران با وجود تصریح قانونگذار، به دلیل نبود معیارهای مشخص ارزیابی، همچنان با تردیدهایی رو به رو هستند؛ از آنجا که عمده معیارهای ارائه شده برای ارزیابی خسارات معنوی در کامن‌لا، در حقوق ایران نیز قابل استفاده است، محاکم ایران نیز می‌توانند از این معیارها برای ارزیابی خسارت وارده استفاده نمایند.

منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۸۵) حقوق مدنی جلد ۱، تهران: دارالکتب اسلامی.
- امینی، منصور؛ ناطق نوری، سوده (۱۳۹۰) مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده آمریکا، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۳، ۲۱-۳۸.
- بهر، لی (۱۳۹۶) شیطان ذهن، ترجمه مریم تقدیسی، تهران: ققنوس.
- پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۳۹۲) گزارش نشست نقد اثبات جرم زنا (آزمایش بررسی ادله DNA)، فصلنامه رأی: مطالعات آراء قضایی، ۱۵، ۱۴۱-۱۶۰.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۰) حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر؛ اخلاقی، فقهی و حقوقی، پژوهشنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۴(۸)، ۷۹-۱۱۶.
- حیدری، سیروس؛ فروغی، فضل الله؛ اعراب شیبانی، محمد رضا (۱۳۹۸) مبانی و شرایط حجیت آرای کیفری در دعاوی مدنی، نشریه علمی دانش حقوق مدنی، ۲(۱۶)، ۲۳-۴۲.
- خامسی پور، فرسیما؛ محمدی سرپیری، فریده؛ مالیر، محمود؛ یوسفزاده، علی (۱۳۹۴) آثار نقض وفاداری زوجین در خانواده و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری آن، مطالعات پلیس زن، ۹(۲۳)، ۵۲-۳۰.
- دارابی، حسین (۱۳۹۹) مسئولیت ناشی از عدم وفاداری زوجین، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی چالش ها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب های اجتماعی، ۹۳۰-۹۱۵.
- زجاجی، حمیدرضا؛ مالیر، محمود (۱۳۹۸) مطالعه تعزیرات منصوص شرعی در فقه و حقوق کیفری ایران، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۷)، ۱۶۳-۱۳۱.
- ساروخانی، سحر؛ مرادی، علی رضا (۱۳۹۵) عملکرد قربانیان تجاوز جنسی مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه در حافظه روزمره، حافظه کلامی و حافظه آینده نگر، مطالعات روانشناختی، ۱۲(۲)، ۱۲۹-۱۴۷.
- سعادت، صالح؛ علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۶) مسئولیت مدنی برهم زدن نامزدی بر مبنای قاعده غرور با رویکردی بر آرای امام خمینی، پژوهشنامه متین، ۲۱(۷۲)، ۸۳-۶۳.
- شهباز قهفرخی، سجاد (۱۳۹۹) تبیین و نقد نظریه تعامل متقارن در تعیین میزان تقصیر زیان دیده و خواننده دعوی در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، مجله حقوقی دادگستری، ۸۴(۱۱۱)، ۱۴۸-۱۳۱.
- شیورانی، مونا؛ آزاد فلاح، پرویز؛ مرادی، علی رضا؛ اسکندری، حسین (۱۳۹۵) درمان اختلال استرس پس از ضربه در زنان با تجربه خیانت همسر، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ۷(۲۵)، ۸۵-۱۰۶.
- صادق نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۸) بررسی ابهامات و چالش های ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات در پرتو رویه عملی محاکم کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲(۲۰)، ۵۵-۸۴.

صادقی، سالار؛ اکبری، عباسعلی (۱۴۰۱) آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی از منظر فقهی و جرم شناسی، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۵۹-۸۲. صفایی، سیدحسین؛ رحیمی؛ حبیب الله (۱۳۹۹) مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های شهر دانش.

قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷) مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، حقوق خانواده جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰) قواعد عمومی قراردادها جلد ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲) وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار. کلاتری، کیومرث (۱۳۸۷) تحلیل علمی از یک پرونده کیفری، زنای محصنه و اثبات آن، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱(۲۶)، ۳۱۸-۲۹۶.

کلهر، زینب (۱۳۸۸) احکام و آثار روابط جنسی نامشروع در حقوق مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم. محسنی دهکلانی، محمد (۱۳۸۷) تحلیلی فقهی بر ماهیت زنا، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، ۴(۱۲)، ۲۰۵-۱۹۷.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۶) بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: مرکز نشر علوم انسانی. محمدی، پژمان؛ مرادپور شاد؛ مبین، حجت (۱۳۹۷) تأثیر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر امکان مطالبه خسارات معنوی و عدم نفع در نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۶(۲۴)، ۹۳-۶۵.

محمدی سرپیری، فریده؛ رفیعی فروشانی، احمد رضا؛ خامسی پور، فرسیما (۱۳۹۳) ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روانشناسی و جایگاه آن در خانواده، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانوار، ۹(۲۹)، ۶۱-۲۹.

مرادزاده، حسن؛ رضوی، فهیمه سادات (۱۳۹۵) شیوه های جبران خسارت معنوی در زندگی زوجین، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۱(۶۴)، ۳۰-۷.

نصیری، غلامعلی؛ قدیری، رشید؛ نقدی دورباطی، مریم؛ قدوسی، کامران (۱۴۰۰) مهم ترین ضوابط و معیارها در شناسایی جرایم منافی عفت در حقوق کیفری ایران، جامعه شناسی سیاسی ایران، سال ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، صص ۸۳۱-۸۱۵.

Baio, J-A. M (1982) Loss of Consortium: A Derivative Injury Giving Rise to a Separate Cause of Action, Fordham Law Review, 50(6), pp. 1344-1370.

Canadian Civil Marriage Act. S.C. 2005, c. 33 (2023) <https://laws-lois.justice.gc.ca/PDF/C-31.5.pdf>

Carnelley. M (2013) Laws on Adultery: Comparing the Historical Developments of South African Common-Law Principles with Those in English Law, *Fundamina* 19(2), pp. 155-211 <http://www.scielo.org.za/pdf/funda/v19n2/01.pdf>

Elliott. C & Quinn. F (2009) *Tort Law*, 7 Edition, England: Pearson Education Limited.

Henaghan. M (2008) The Normal Order of Family Law: *Oxford Journal of Legal Studies*. 28(1), pp. 165-182.

Howlin, N (2016). Adultery in the Courts: Criminal Conversation in Ireland, *UCD Working Papers in Law, Criminology & Socio-Legal Studies*, Research Paper No. 07/2016. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2787632

McMillian. L (2012) Adultery as a Tort, *North Carolina Law Review*, 90(6), pp. 1989-2032.

Rasmusen. E (2001) An Economic Approach to Adultery Law, Discussion Paper No. 322, Harvard Law School, pp. 1-28

Scott. E. S (2000). Social Norms and the Legal Regulation of Marriage: Columbia Law School. https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/323/

Smart, H. M. J. (2018) *Sierra Leone Family Law*, Thesis presented for the Internal Degree of Doctor of Philosophy in the Faculty of Laws, University of London, pp. 1-784 <https://eprints.soas.ac.uk/34033/1/11015834.pdf>

Thompson. G. L. (1979) The Suit of Alienation of Affections: Can Its Existence Be Justified Today, *North Dakota Law Review*, 56(2), 239-257

Vandervelde. L (1996) The Legal Ways of Seduction, *Stanford Law Review*, 48(4) 817-901

Weifei, S. (2016) Damages for Adultery and Interference with Marriage Relation – From the Perspective of Anglo-American Law, *PKU Transnational Law Review*, 4(1), 31-48

Wright. H. F, The Action for Breach of the Marriage Promise, *Virginia Law Review*. 10(5), 361-383